

## حضرت عبدالعظیم حسنی



پدرش عبدالله نام داشت و مادرش فاطمه دختر عقبه بن قیس .

ولادت با سعادت حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سال 173 هجری قمری در شهر مقدّس مدینه واقع شده است و مدّت 79 سال عمر با برکت او با دوران امامت چهار امام معصوم یعنی امام موسی کاظم علیه السلام ، امام رضا علیه السلام، امام محمدتقی علیه السلام و امام علیّ التّقی علیه السلام مقارن بوده ، محضر مبارک امام رضا علیه السلام ، امام محمد تقی علیه السلام و امام هادی علیه السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است .

این فرزند حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از آنجا که از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است به حسنی شهرت یافته است . حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه معصومین علیهم السلام و از چهره های بارز و محبوب و مورد اعتماد ، نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام و پیروان آنان بود و در مسایل دین آگاه و به معارف مذهبی و احکام قرآن ، شناخت و معرفتی وافر داشت .

ستایشهایی که ائمه معصومین علیهم السلام از وی به عمل آورده اند، نشان دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ حضرت امام هادی علیه السلام گاهی اشخاصی را سؤال و مشکلی داشتند، راهنمایی می فرمودند که از حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام بپرسند و او را از دوستان حقیقی خویش می شمردند و معرفی می فرمودند .

در آثار علمای شیعه نیز، تعریفها و ستایشهای عظیمی درباره او به چشم می خورد، آنان از او به عنوان عابد، زاهد، پرهیزکار، ثقه، دارای اعتقاد نیک و صفای باطن و به عنوان محدّثی عالیمقام و بزرگ یاد کرده اند؛ در روایات متعدّدی نیز برای زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، ثوابی همچون ثواب زیارت حضرت سیّد الشهداء، امام حسین علیه السلام بیان شده است.

زمینه های مهاجرت حضرت عبدالعظیم علیه السلام از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر جستجو کرد؛ خلفای عباسی نسبت به خاندان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان ائمه علیه السلام بسیار سختگیری می کردند، یکی از بدرفتارترین این خلفاء متوکل بود که خصومت شدیدی با اهل بیت علیهم السلام داشت، و تنها در دورت او چندین بار مزار حضرت امام حسین علیه السلام را در کربلا تخریب و با خاک یکسان ساختند و از زیارت آن بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند.

سادات و علویّون در زمان او در بدترین وضع به سر می بردند . حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز از کینه و دشمنی خلفا در امان نبود و بارها تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند و گزارشهای دروغ سخن چینان را بهانه این سختگیری ها قرار می دادند، درچنین دوران دشوار و سختی بود که حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خدمت حضرت امام هادی علیه السلام رسید و عقاید دینی خود را بر آن حضرت عرضه کرد ، حضرت امام هادی علیه السلام او را تأیید فرموده و فرمودند: تو از دوستان ما هستی . دیدار حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سامرا با حضرت امام هادی علیه السلام به خلیفه گزارش داده شد و دستور تعقیب و دستگیری وی صادر گشت، او نیز برای مصون ماندن از خطر، خود را از چشم مأموران پنهان می کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس رفت و آمد می کرد و شهر به شهر می گشت تا به ری رسید و آنجا را برای سکونت انتخاب کرد. علت این انتخاب به شرایط دینی و اجتماعی ری در آن دوره بر می گردد که وقتی اسلام به شهرهای مختلف کشور ما وارد گشت و مسلمانان در شهرهای مختلف ایران به اسلام گرویدند، از همان سالها ری یکی از مراکز مهمّ سکونت مسلمانان شد و اعتبار و موقعیت خاصی پیدا کرد . زیرا سرزمینی حاصلخیز و پرنعمت بود، عمرسعد هم به طمع ریاست یافتن بر ری در حادثه جانشوز کربلا، حضرت حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رساند. در ری هم اهل سنت و هم از پیروان اهل بیت علیهم السلام زندگی می کردند و قسمت جنوبی و جنوب غربی شهر ری بیشتر محلّ سکونت شیعیان بود .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام به صورت یک مسافر ناشناس ، وارد ری شد و در محلّه ساربانان در کوی سکه الموالی به منزل یکی از شیعیان رفت، مدّتی به همین صورت گذشت . او در زیرزمین آن خانه به سر می برد و کمتر خارج می شد ، روزها را روزها می گرفت و شبها به عبادت و تهجّد می پرداخت، تعداد کمی از شیعیان او را می شناختند و از حضورش در ری خبر داشتند و مخفیانه به زیارتش می شتافتند، اما می کوشیدند که این خبر فاش نشود و خطری جانِ حضرت را تهدید نکند . پس از مدّتی، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم علیه السلام را شناختند و خانه اش محلّ رفت و آمد شیعیان شد، نزد او می آمدند و از علوم و روایاتش بهره می گرفتند و عطر خاندان عصمت علیهم السلام را از او می بوئیدند و او را یادگاری از امامان خویش می دانستند و پروانه وار گرد شمع وجودش طواف می کردند .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسایل شرعی و حلّ مشکلات مذهبی آنان را برعهده داشت؛ این تأکید ، هم گویای مقام برجسته حضرت عبدالعظیم علیه السلام است و هم می رساند که وی از طرف حضرت امام هادی علیه السلام در آن منطقه ، وکالت و نمایندگی داشته است؛ مردم سخن او را سخن امام علیه السلام می دانستند و در مسایل دینی و دنیوی ، وجود او محور تجمّع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت علیهم السلام بود. روزهای پایانی عمر پربرکت حضرت عبدالعظیم علیه السلام با بیماری او همراه بود، آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت در آستانه محرومیت از وجود پربرکت این سیّد کریم قرارگرفته بودند، اندوه مصیبتهای پیاپی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان برایش دردی جانکاه و مضاعف بود؛ در همان روزها یک رویای صادفانه حادث آئینه را ترسیم کرد: یکی از شیعیان پاکدل ری، شبی در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: فردا یکی از فرزندانم در محلّه سکه المولی چشم از جهان فرو می بندد، شیعیان او را بردوش گرفته به باغ عبدالجبار می برند و نزدیک درخت سیب به خاک می سپارند.

سحرگاه به باغ رفت تا آن باغ را از صاحبش بخرد و افتخار دفن شدن یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نصیب خویش سازد، عبدالجبار که خود نیز خوابی همانند خواب او را دیده بود، به رمز و راز غیبی این دو خواب پی برد و برای اینکه در این افتخار، بهره ای داشته باشد، محلّ آن درخت سیب و مجموعه باغ را وقف

کرد تا بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند.

همان روز حضرت چشم از جهان فرو بست. خبر درگذشت این نواده رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم دهان به دهان گشت و مردم با خبر شدند و جامه های سیاه پوشیدند و بر در خانه حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام گریان و مویه کنان گرد آمدند؛ پیکر مطهر او را غسل دادند، به نقل برخی مورخان در هنگام غسل، در جیب پیراهن او کاغذی یافتند که نام و نسب خود را در آن نوشته بود؛ بر پیکر او نماز خواندند، تابوت او را بردوش گرفتند و با جمعیت انبوه عزادار به سوی باغ عبدالجبار تشییع کردند و پیکر مطهرش را در کنار همان درخت سیب که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم به آن شخص اشاره کرده بود، دفن کردند تا پاره ای از عترت مصطفی صلی الله علیه وآله و سلم در این باره به امانت بماند و نورافشانی کند و دلباختگان خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم از مزار این ولی خدا فیض ببرند.

مذهب نبوز